

این دل نورانی و پاکیزه را که در شما هست، قدر بدانید. نه اینکه من بخواهم برای خوشامد شما حرف بزنم؛ نه، جوانهای عالم که فقط شما نیستید؛ جوان خاصیتش این است. دلتان پاکیزه است. حالا چون برای شما قابل مقایسه نیست، نمیتوانید این موضوع را احساس کنید. در طول زمان، گرفتاریها، غبارها، لجنها و زنگارها دل را میپوشاند. در روایت دارد که وقتی گناهی میکنید، یک نقطه سیاهی در قلب شما به وجود می آید - البته اینها زبان نمادین است، زبان سمبلیک است - گناه دوم را که میکنید، این نقطه سیاهی دو برابر میشود.

چشم زخم انتخابات اسفند

کیهان: «انتخابات»، پیش روی ملت بزرگ ایران قرار دارد و «اصلاح وضعیت» مطالبه‌ای است که بدون تردید هر شهروند ایرانی دنبال می‌کند. اما در میان دسته‌های سیاسی و ذی‌نفوذ، «حفظ وضع موجود» و «تغییر وضع موجود» تبدیل به جبهه‌ای در مقابل جبهه دیگر شده است و به طور طبیعی آنان که در جبهه تغییر وضع موجود قرار دارند از پشتوانه عظیم مردم بزرگوار ایران برخوردار هستند و از این روست که جبهه حفظ وضع موجود، خود را در وضعیت شکست ارزیابی کرده و اقبالی به انتخابات ندارد و چندی است، زیر سؤال بردن اهمیت و سلامت آن را شروع کرده است، بعضی هم از جایگاه‌هایی که هم‌اکنون در اختیار دارند، اخلال در انتخابات را دنبال می‌کنند. ده روز پیش یکی از روزنامه‌های حامی وضع موجود در یادداشتی ضمن زیر سؤال بردن سلامت انتخابات سال ۱۳۸۴، مدعی شد نتایج انتخابات اسفند ماه مجلس شورای اسلامی را نه مردم بلکه «گروهی خاص» با مهندسی رقم خواهند زد! ادعای عدم سلامت انتخاباتی که در مرحله نام‌نویسی قرار دارد و تا روز برگزاری آن لااقل دو ماه و نیم باقی مانده است، ضمن آنکه از نومی‌دی این گروه از نتایج انتخابات پیش‌رو حکایت می‌کند، از نوعی تهدید انتخابات هم خبر می‌دهد. یادمان نرفته است که بعضی از بزرگان همین طیف حتی آنگاه که خود سکان دولت را در اختیار داشتند، از سلامت انتخابات ابراز نگرانی کردند و در مواردی از «آتش در میادین، خیابان‌ها و دانشگاه‌ها» خبر دادند و فرزندان‌شان در صف جلوی اغتشاشاتی قرار گرفتند که «انحلال انتخابات» را خواستار شده و هزینه سنگینی را بر مردم تحمیل کردند. خط دیگری که این دسته سیاسی یعنی «مدافعان وضع موجود» دنبال می‌کنند، نومید کردن مردم از تاثیر اصلاح‌گرایانه انتخابات است. بعضی از چهره‌های سیاسی این جناح که با شعار «رفع مشکلات داخلی از طریق هماهنگ شدن با محیط خارجی» به دولت و مجلس کنونی شکل دادند و در این راه هرچه خواستند کردند و نظام هم برای گرفتن بهانه از دست‌شان، حداکثر همکاری با آنان را نشان داد، حالا که به بن‌بست رسیده‌اند و طرف‌های خارجی هیچ اعتنایی به تمناهای آنان نکرده‌اند، به جای اعتراف به شکست و عذرخواهی از نظام، انتخابات و شرکت انبوه مردم در آن را بی‌نتیجه معرفی می‌کنند. آنان البته می‌دانند که مردم مثل همیشه و علیرغم دلخوری‌هایی که از دولت و مجلس کنونی و دسته‌های سیاسی مؤثر در آن‌ها دارند، در انتخابات شرکت می‌کنند و با نیروهای تازه نفس وضع متحولی را رقم خواهند زد کما اینکه در لابه‌لای عباراتشان اعتراف به چنین رویکردی هم دیده می‌شود

چشم‌بند موشه‌دایان بر چشم آشوبگران!

فارس: «موشه‌دایان» یکی از معروف‌ترین فرماندهان نظامی رژیم اشغالگر قدس بود؛ روزنامه اکسپرسیون فرانسه به نقل از مقامات رژیم صهیونیستی نوشت: «ژنرال موشه‌دایان معتقد بود که سران اسرائیل باید روشی را در پیش بگیرند که دیگران از آنها تلقی یک «سگ‌هار» را داشته باشند!» سگی که بی‌ملاحظه به هر که بخواهد حمله می‌کند و گاز می‌گیرد و می‌کشد! چه کسی باور می‌کند که تروریست‌های تکفیری داعش آنگونه که ادعا می‌کردند، در پی تشکیل حکومت (از نوع خلیفه‌گری) بوده‌اند؟! کسانی که در پی تشکیل حکومت هستند اصرار دارند که از خود چهره‌ای مردم‌دوست ارائه کنند ولی داعشی‌ها ضمن آنکه به انواع جنایات وحشیانه نظیر، سر بریدن، زنده‌زنده در آتش سوزاندن، قتل عام مردم بی‌پناه و... دست می‌زدند، از این جنایات وحشیانه فیلم و عکس نیز تهیه کرده و منتشر می‌کردند. اقدام تکفیری‌ها به وضوح نشان می‌داد که تنها ماموریت آنها ایجاد وحشت در میان ملت‌هایی است که حاضر به پذیرش سلطه آمریکا و متحدان غربی و عبری و عربی آن نیستند.

دیروز، مزدوران داعشی و بعضی که در پوشش اعتراضات اقتصادی به میان معترضان عراقی نفوذ کرده‌اند و چند هفته‌ای است عراق را به آشوب کشیده‌اند، در میدان «الوثبه» یک نوجوان ۱۶ ساله را به طرز فجیعی به قتل رسانده و جنازه او را وارونه در خیابان به دار کشیدند! در جریان آشوب‌های آبان ماه کشورمان نیز، مزدوران اجاره‌ای ضمن به آتش کشیدن اموال عمومی، خانه و کاشانه مردم، پمپ بنزین‌ها و بانک‌ها، ده‌ها نفر را نیز با سلاح گرم و سرد به قتل رساندند که حمله آنان با تبر به یک رهگذر موتورسوار و قتل فجیع آن انسان بی‌گناه فقط یکی از آن نمونه‌هاست و... این قصه سر دراز دارد!

شواهد و اسناد یاد شده کمترین تردیدی باقی نمی‌گذارد که فرمول آشوب‌های اخیر در همه کشورهای ناهمخوان با آمریکا، یکسان است و ماموریت آشوبگران آدمکش و خونریز، ایجاد ترس و وحشت در میان مردم با هدف وادار کردن حکومت‌های مستقل به پذیرش سلطه از دست رفته آمریکا در این کشورهاست.

در عراق نیز مانند ایران باید به معترضان عادی توصیه اکید شود که صف خود را از جنایتکاران اجاره‌ای جدا کنند تا نیروهای نظامی و امنیتی فرصت و فضای لازم را برای سرکوب مزدوران داشته باشند. توصیه اکیدی که مرجعیت عالیقدر عراق، حضرت آیت‌الله سیستانی در بیانیه اخیر خود داشتند ولی متأسفانه بیانیه برخی از گروه‌های سیاسی عراق در محکومیت جنایات مزدوران که همراه با حمایت از اعتراض‌ها بود، مطلوب به نظر نمی‌رسد. این اطلاعیه‌ها هنگامی کارساز است که مزدوران آدمکش به بهانه اعتراض‌های مردمی در صحنه نباشند ولی در حالی که مزدوران هنوز در صحنه حضور دارند، حمایت از اعتراض‌ها، جز تبدیل مردم عادی به سپر مزدوران و کشته شدن یا آسیب دیدن آنها نتیجه دیگری نخواهد داشت.

در آشوب اخیر ایران جدایی مردم عادی از ارادل اجاره‌ای با درایت رهبر معظم انقلاب و هوشیاری مردم خیلی زود اتفاق افتاد و آشوب‌ها در فاصله زمانی کوتاهی جمع شد.

همین جا باید یادآوری کرد که حمایت برخی از گروه‌های سیاسی بدسابقه از آشوبگران که بیانیه ۷۷ مدعی اصلاحات و اظهارات چند نماینده مجلس نمونه آن است، پرده دوم فرمول آشوب است که نباید از نگاه تیزبین مسئولان اطلاعاتی و امنیتی پنهان بماند. اقدام این جماعت اولاً؛ با هیچ‌یک از معیارهای عقلی و منطقی و ملاک‌های دینی و ملی سازگار نیست و ثانیاً؛ همراهی آشکار با آشوبگران و مدیریت بیرونی آشوب است، بدیهی است نمی‌توان به آسانی از کنار این احتمال بسیار قوی عبور کرد که میان جماعت یاد شده و ارادل مزدور و اجاره‌ای رابطه و پیوندی پنهانی وجود دارد که از افشای آن به شدت نگران و بیمناک شده‌اند و گرنه دلیلی ندارد از دستگیری مزدوران آشوبگر و اعترافات احتمالی آنان تا این اندازه به وحشت افتاده باشند!

جبران شکست خیابانی با تمرکز بر جنگ شناختی

جوان: با شکست در اردوکنشی خیابانی، امریکایی‌ها این روزها تمام توان خود را در حوزه جنگ شناختی متمرکز کرده و در پی کشف این سؤال هستند که به‌رغم تحمیل بی‌نظیرترین تحریم اقتصادی بر مردم ایران که نشانه‌های آن در مشکلات معیشتی بخش‌های محروم جامعه ایران آشکار شد و برخی اعتراض‌های اولیه مردم در آشوب‌های آبان‌ماه ایران نشانه آن است و چرا مردم ایران با اغتشاشات همراه نشده و حتی آن بخش معترض جامعه نیز با به خشونت کشیده شدن اعتراضات، صف خود را از اغتشاشگران جدا کرده و حتی در کنار نیروهای انتظامی و نظامی به مقابله با آشوبگران پرداختند. به همین دلیل است که کاخ سفید بعد از شکست عوامل میدانی آشوب‌های اخیر، در عین تأکید بر تشدید تحریم‌های اقتصادی، تلاش دارد پاسخی برای این سؤال بیابد. آنچه در نشست روز سه‌شنبه بنیاد دفاع از دموکراسی در آمریکا با محوریت بریانی هوک مسئول گروه اقدام آمریکا علیه ایران گذشت، بیانگر تلاش برای یافتن پاسخ به این سؤال و چگونگی ظرفیت‌سازی برای آینده است. نشست که به گزارش صدای آمریکا به صراحت در آن تأکید می‌شود که باید بینیم در اعتراضات بعدی برای مردم چه می‌توانیم بکنیم. یعنی در کنار فشار حداکثری بر رژیم ایران، مراقبت حداکثری از مردم ایران داشته باشیم و نباید در اعتراضات آینده غافلگیر شویم. بریانی هوک می‌گوید که ما در آمریکا، در حمایت از مردم ایران متحد هستیم و می‌خواهیم جامعه جهانی هم‌چنین باشد. هوک در ادامه علت اصلی عصبانیت آمریکا از مردم ایران را حمایت ایران از نیروهای مقاومت و پیگیری اقتصاد مقاومتی دانسته و یادآور می‌شود که ایالات متحده از پیش روشن کرده که رژیم ایران یا باید بپذیرد مثل یک کشور عادی رفتار کند یا شاهد فروپاشی اقتصادش باشد، اما رهبر جمهوری اسلامی ایران راه پذیرش فشار اقتصادی و انزوای سیاسی (!؟) را در پیش گرفته است. در ترسیم صحنه کنونی تقابل نظام سلطه با نظام جمهوری اسلامی ایران پیش از این گفته شد که آمریکا در دور جدید تقابل با ایران، پس از ناکامی در جنگ سخت و تهدید نظامی و شکست در پیشبرد اهدافش علیه مردم ایران در جنگ نرم و تهاجم فرهنگی در دوران ترامپ راهبرد خود را بر طراحی و اعمال یک جنگ همه‌جانبه با هدف اعمال بی‌نظیرترین تحریم‌های اقتصادی و فروپاشی اقتصادی و به تبع آن ایجاد بحران موجودیتی در داخل متمرکز ساخته و تمام ظرفیت‌های ممکن خود و متحدانش را نیز به کار گرفته است، اما روند حوادث اخیر نشان داد که آمریکا نه در مهار قدرت و نفوذ منطقه‌ای ایران توفیقی کسب کرده و نه در فروپاشی اقتصادی آن‌گونه که بریانی هوک بر آن تأکید می‌کند و نه در بحران موجودیتی که شکست در آشوب‌های اخیر و خنثی شدن توطئه همه‌جانبه آمریکا علیه مردم ایران مصداق آن است. دو رکن اصلی این جنگ همه‌جانبه، جنگ اقتصادی و جنگ شناختی است. در اعمال جنگ اقتصادی و تشدید تحریم‌ها کاخ سفید به پایان خط رسیده است چراکه تحریم‌های اخیر که خود تکرار تحریم‌های گذشته و یا تحریم افراد و شرکت‌هایی است که نقش چندانی در روند فعالیت‌های اقتصادی ایران نداشته و صرفاً با هدف آمارسازی و یا اعلام فاز جدید تحریم‌ها رسانه‌ای شده و در نقطه مقابل ایران توانسته است ضمن حفظ انسجام سیاسی و اقتصادی خود حتی تا آنجا پیش برود که بودجه سال آینده خود را با حداقل وابستگی به فروش نفت خام تنظیم کند. نکته‌ای که بسیاری از کارشناسان آمریکا آن را زنگ خطری برای کاخ سفید و نشانه بارز شکست سناریوی فشار حداکثری دانسته‌اند.

بازی در انگلیس تمام نشده است

رسالت: علیرغم پیروزی قاطعانه حزب محافظه کار در انتخابات سراسری اخیر، سد برگزیت در این کشور هنوز نشکسته و صرفاً نوع مواجهه دولت انگلیس با آن در نزد افکار عمومی شفاف‌تر شده است. در این خصوص نکاتی وجود دارد که لازم است مورد توجه قرار گیرد: نخست اینکه با شکست دو حزب کارگر و لیبرال دمکرات نشان داد که گزینه برگزاری همه‌پرسی دوباره در انگلیس بر سر برگزیت منتفی است. در این میان دو گزینه دیگر یعنی برگزیت نرم و برگزیت سخت باقی مانده و دولت انگلیس باید میان این دو، دست به انتخاب بزند. نباید فراموش کرد که جانسون با شعار برگزیت نرم و توافق با اروپا در انتخابات اخیر شناخته شده بود. از این رو هرگونه چرخش موضع جانسون از برگزیت نرم به برگزیت سخت مولد بحران های جدیدی در فضای سیاسی انگلیس خواهد بود. در این صورت بسیاری از رأی دهندگانی که آرای خود را به سود جانسون و حزب محافظه کار به گردش درآورده اند، به مخالفان خشمگینی تبدیل می شوند که هدفی جز ساقط کردن نخست وزیر از قدرت نخواهند داشت! بنابراین، عاقلانه ترین مسیر پیش روی جانسون، تحقق برگزیت نرم و توافق با اتحادیه اروپاست. نکته دوم اینکه در صورت انتخاب گزینه برگزیت نرم از سوی جانسون نیز معادله برگزیت به راحتی قابل حل نیست! در این صورت، علاوه بر سه حزب کارگر، لیبرال دمکرات و حزب ملی اسکاتلند و طرفداران آنها، حزب افراطی برگزیت که طرفدار تحقق برگزیت سخت و عدم توافق با اتحادیه اروپاست، نیروهای سیاسی و اجتماعی خود را علیه جانسون و تصمیم وی به گردش درخواهند آورد. فراتر از آن، دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا که خواستار تحقق برگزیت سخت و به عبارت بهتر، وابستگی مطلق اقتصادی انگلیس به آمریکا پس از خروج از اروپای واحد می باشد نیز در آتش اعتراضات داخلی در انگلیس (به ضرر جانسون) خواهد دمید. اگرچه ترامپ در کل حامی بوریس جانسون بوده است، اما نباید فراموش کرد که تحقق برگزیت نرم، رئیس جمهور آمریکا را در مقابل نخست وزیر انگلیس قرار خواهد داد. نکته سوم اینکه عواقب و تبعات تصمیمی که دولت جانسون در خصوص برگزیت اتخاذ می کند، حداقل تا ۱۰ سال به قوت خود باقی خواهد ماند. حتی تحقق برگزیت نرم نیز مولد بحران هایی مانند کاهش رشد اقتصادی انگلیس، کوچک شدن اقتصاد این کشور و افزایش نرخ بیکاری خواهد شد. فراتر از آن، انگلیس در صورت تحقق برگزیت نرم نیز عملاً تا یک دهه لندن را به بازیگری معلق در نظام بین الملل تبدیل خواهد کرد. در چنین فضایی، حتی برای سیاستمداری مانند جانسون که امروز به پیروزی خود در انتخابات سراسری غره شده است فرصتی باقی نخواهد ماند و احتمال تبدیل شدن وی به سومین قربانی برگزیت (پس از کامرون و ترزا می) به قوت خود وجود دارد. در یک عبارت کلی، می توان گفت در انتخابات سراسری اخیر انگلیس، تکلیف معمای اصلی در لندن، یعنی معمای برگزیت مشخص نشده و در آینده ای نزدیک نیز مشخص نخواهد شد.

